

۱۴۹۷۸۱۹
۲۵/۸/۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق اسلامی و شبیح مدرنیتہ

نویسنده:

دکتر فرزین وحدت

ترجمہ ی:

عسگر قہرمانپور

سرشناسه

وحدت، فرزین
Vahdat, Farzin

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق اسلامی و شیخ مدرنیته / نویسنده فرزین وحدت؛ ترجمه‌ی عسگر قهرمانپور.

مشخصات نشر: تهران: چاپخش، ۱۳۹۴.

۴۵۶ ص.

مشخصات ظاهری

978-600-6799-31-5

شابک

فیبا

وضعیت فهرست نویسی

عنوان اصلی: Islamic ethos and the specter of modernity

یادداشت

تجددگرایی (اسلام)

موضوع

اسلام -- قرن ۲۱ م

موضوع

اسلام -- تجدید حیات فکری

موضوع

اخلاق اسلامی -- فلسفه

موضوع

جامعه‌شناسان اسلامی

موضوع

قهرمانپور، عسگر، ۱۳۵۲ - مترجم

شناسنامه

BP۲۲۹/۳ الف ۱۳۹۴

راهنمای

۲۹۷/۴۸

رده بندی

۴۱۶۱۳۹۱

شماره کتابشناسی ملی

بنام خدا



انتشارات چاپخش

اخلاق اسلامی و شیخ مدرنیته

نویسنده: دکتر فرزین وحدت

ترجمه‌ی: عسگر قهرمانپور

طراح: پنجره - صفحه‌آرایی: غفاری

چاپ و صحافی: پژمان

چاپ اول - ۱۳۹۵ شمارگان: ۷۵۰ نسخه

قیمت: ۲۷۵۰۰ تومان

ناشر: انتشارات چاپخش

ناشر برگزیده و عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲

تلفن: ۶۶۴۰۴۱۱۰ فاکس: ۶۶۴۹۳۴۷۵ صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۷۳۷

کلیه حقوق محفوظ است

ISBN:978-600-6799-31-5

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۹-۳۱-۵

فهرست مطالب

مقدمه مترجم.....	۵
مقدمه نر سنده برای ترجمه فارسی.....	۹
مقدمه.....	۱۱
فصل اول	
سر محمد آقبال: دیالکسیس اصالت مسلمانان.....	۳۱
فصل دوم	
سید عبدالعلاء مودودی: طریقه برناز دولت پدرسالار دیسیپلینی.....	۱۱۳
فصل سوم	
تمامیت‌گرایی اسلامی در ایدئولوژی سید طه.....	۱۷۵
فصل چهارم	
مهدی حائری یزدی و گفتمان مدرنیته.....	۲۱۵
فصل پنجم	
مدرنیته اسلامی پس‌انقلابی در ایران: هرمنوتیک بین‌المللی محمد مجتهد شبستری.....	۲۴۷
فصل ششم	
مدرنیته مذهبی در ایران: تنگناهای دموکراسی اسلامی در گفتمان محمد خاتمی.....	۲۷۷
فصل هفتم	
سید حسین نصر و رمانتیک اسلامی؟.....	۳۰۹
فصل هشتم	

- محمد ارغون و ایده‌ی لیبرال دمکراسی در بلاد اسلامی ۳۶۹
- نتیجه‌گیری ۴۲۵
- کتابنامه ۴۳۹
- نمایه ۴۵۱

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

در دهه‌های بدست‌آمده خاصه در دهه گذشته، نحله‌ای از نویسندگان و پژوهشگران ایرانی، ویش‌آنهايي که رشته جامعه‌شناسي تحصيل کرده‌اند، در کندوکاو مسائل روشنفکري اسلامي و مدرنيته بسيار فعال شده‌اند و تلاش مي‌کنند قصه پرماجرایی مواجهه روشنفکران و فیلسوفان اسلامي با مدرنيته را از منظر جامعه‌شناسي مدرن رويت کنند. اخلاق اسلامي و شبیح مدرنيته، را مي‌توان تداوم ایده‌ی کتاب قبلي نویسنده، *رويارویی فکري ایرانیان با مدرنيته* دانست. وقتی ترجمه این کتاب را به دست گرفته به ناشری برایم پیشنهاد آن را داده بود و صد البته نه اتفاقی آن را برای ترجمه انتخاب کردم. بلکه چند سالی بود که مسئله‌ی چگونگی مواجهه روشنفکران اسلامي با مدرنيته برایم بسيار جذابیت پیدا کرده و مهم شده بود، چون این بار داستان از بچه داعیه حق‌طلبی دو جبهه روایت نمی‌شد، بلکه از منظر انتقادی تحلیل می‌شد. هر دو جبهه در لبه تیغ نقد و بررسی قرار گرفته بود، و همزمان تلاش می‌کردند، از لحاظ پراگماتیستی راه میانی و اعتدال عرضه شود.

بیشتر در کنار دیگر کتاب‌های مهم این حوزه از جمله آثار دکتر علی میرسپاسی و دکتر مهرزاد بروجردي، کتاب *رويارویی فکري ایرانیان با مدرنيته* از دکتر فرزین وحدت را دو بار خوانده بودم و برایم حقیقتاً بسیار آموختنی و پر از نکات جدید بود. از این رو، منتظر بودم از همین نویسنده کتاب دیگری منتشر

شود و من آن را ترجمه و مطالعه کنم که حاصل آن کتاب حاضر است. اما مهمتر از ترجمه‌ی این کتاب، برخورد بسیار عالمانه دکتر وحدت با بنده در طول ترجمه این کتاب بود که به دقت ترجمه متن را بازبینی کردند. باری به هر جهت، فصل چهارم کتاب اصلی با عنوان فاطمه مرنیسی: زنان، اسلام، مدرنیته و دموکراسی بنا به ملاحظات در ترجمه فارسی حذف شده است. با این همه، از آنجا که فاطمه مرنیسی از نویسندگان تاثیرگذار این حوزه هستند و دو هفته پیش در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۵ تقریباً یک ماه و اندی مانده به ژانویه ۲۰۱۶ حجم از جهان فروبست، بهتر آن دیدم برای معرفی آن به مخاطبان ایرانی، مقدمه‌ای همان فصل چهارم نویسنده را به اختصار در اینجا ترجمه کنم:

«یکی از مهمترین مباحث انتخاب متفکران بررسی شده در این کتاب، تاثیرگذاری آنها در جهان اسلام بوده است. برخی از این متفکران افراد دانشگاهی بوده‌اند که فتنه آنها تاثیرات چشمگیری در محیط بیرون از دانشگاه بر جای گذاشته است. دینی و مجاورت متفکران دیگر با دنیای آکادمیک به این اندازه نبوده است، اما تاثیر آنها به مراتب فراتر از مخاطبان دانشگاهی محدود بوده است. فاطمه مرنیسی طبق تربیت و پیشه یک فرد دانشگاهی است که گفت‌وگوهای او در محیط‌های دانشگاهی در جهان اسلام و بیرون از آن رواج گسترده‌ای دارد. مهمتر از آن، او با بررسی گرفتن از رویکرد فلسفی و تنویری پیچیده، موضوعات جنسیت را در جهان اسلام به علو، فصل و عمیق بررسی می‌کند. افزون بر این، تأثیر مرنیسی در جهان اسلام فتنه محدود به دانشگاهیان نیست، زیرا در بسیاری از نوشته‌های او خاصه در تولیدات جدیداش، زبان‌اش کاملاً غیردانشگاهی و قابل فهم است. تمرکز مرنیسی از همان آغاز حرفه‌اش، بر روابط جنسیت در جوامع مسلمان و فرهنگ‌های اسلامی بوده است. مرنیسی از همان بدو کار تصریح می‌کرد، مهمترین مسئله‌ای که جوامع مسلمان باید آن را حل کند، رابطه‌ی زنان و اسلام است.

کتاب حاضر یکی از بهترین کتاب‌هایی است که به مسئله امروز جامعه‌ی ایران می‌پردازد که شاید بسیاری از روشنفکران و دانشگاهیان ما از غفلت می‌کنند. سخن را بسیار کوتاه می‌کنم. هدفم از این مقدمه بیشتر قدردانی از نویسنده محترم و دانشمند است که از او بسیار آموختم. لازم می‌دانم از جناب

حسن‌نژاد، مدیریت محترم انتشارات چاپ‌پخش و همکاران وی نیز که از انتشار این کتاب استقبال کردند، سپاسگذاری کنم. امید است مطالعه این کتاب برای اهل دانش و معرفت بسیار سودمند افتد و گره از کار فرو بسته روشنفکران اسلامی و سکولار بازگشاید.

عسگر قهرمان‌پور

آذر ۱۳۹۴

www.ketab.ir

مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی

جهان اکثرین در اسیر به سر می برد که از جنگ جهانی دوم تاکنون کم سابقه بوده است. خونریزی های سبعانه توسط آنان که داعیه خلافت دارند؛ عکس العمل عموماً نابردانه غرب که بر آتش این آشوب ها دامنه می زند و آنها را تشدید می کند؛ قتل هزاران هزار از مردمان جهان اسلام و آوارگی میلیون ها تن از آنان، همگی حکایت از تحولاتی دارد که مناطق دیگر دنیا در فرآیند عبور به سوی مدرنیته شبیه آن را در تاریخ تجربه کرده اند. تقریباً از یک قرن و نیم پیش بسیاری از مناطق دنیای اسلام با مدرنیته، و تمام معایب، مصائب و مواهبش، مواجه بوده اند و زندگی شان به صورت بسیارین تغییر کرده است. هدف من از نوشتن این کتاب این بوده است که مبنای اصلی مدرنیته و پاسخ برخی از مهم ترین متفکرین دنیای اسلام به آن را بررسی و تحلیل کنم. از این رو کتاب حاضر پژوهشی دانشگاهی و علمی است که بدون حب و بغض به موضوعات مورد بحث می پردازد. هر قدر دانش ما در مورد پدیده های عالمگیر مدرنیته عمیق تر، دقیق تر و بیشتر باشد، بهتر می توانیم مسایل آن را درک کنیم و از جنبه های مثبت آن بهره ببریم. در اینجا لازم می دانم از زحمات آقای عسگر قهرمانپور مترجم محترم کتاب تشکر کنم که با تلاش بی وقفه متن انگلیسی را با مهارت به فارسی برگردانده است.

فرزین وحدت

مقدمه

دلایل قائم کنندار وجود دارد که چرا دوانگاری اسلام و مدرنیته همچنان یکی از موضوعات اصلی پیش روی جهان کنونی است. اسلام، این دین جهانی در طول قرن‌ها، زندگی و نگاه‌های بخش بزرگی از بشریت را شکل داده و تمدنی جهانی تاسیس کرده که از جهات زیادی موازی با تمدن غربی پیش می‌رود. ظهور جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام در چند دهه‌ی گذشته از بسیاری جهات پاسخی بوده است به نیروهای منفی مدرنیته نظیر استعمار و مشکلات توسعه اقتصادی و سیاسی. در زمان این جنبش‌ها به شیوه‌های مختلف، با نهادها و ایده‌های جدیدی مثل حقوق فردی و شهروندی، مشارکت سیاسی عمومی، برابری جنسیتی، توسعه‌ی اقتصادی و بحل تفاوت‌ها روبرو شده‌اند. ظهور جنبش‌های اسلامی در سده‌ی ۲۰ از یک طرف با اقدامات مسلحانه و مقابله با میراث استعمار همراه بوده که تعصب افراطی، بگانه‌هراسی و زن‌ستیزی از آفات آن است و از طرف دیگر، این جنبش‌ها راست‌تر بسیج توده‌ها و مشارکت فراگیر سیاسی و اجتماعی توده‌ی مردم در برخی کشورهای اسلامی هستند. کنش‌ها و واکنش‌ها علیه استعمار مدرن (مثل تشکیل اخوان‌المسلمین در اوایل سده‌ی ۲۰ در مصر و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران) که از اسلام و به بیان دقیق‌تر تفاسیر صورت گرفته از اسلام الهام گرفته‌اند و واکنش غرب به این امر، وضعیت متزلزلی در بسیاری از مناطق جهان ایجاد

کرده است. در عین حال، به جنبش درآوردن و بسیج توده‌های مردم توسط نهضت‌های اسلامی پتانسیل لازم را برای پی‌ریزی بنیان‌های دموکراسی توده‌ای دارد. هنگامی که مردم برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی اجتماع خود بسیج و تشویق شوند، ممکن است با تقویت احساس عاملیت خود را شایسته تعیین سرنوشت خود بدانند و این یعنی شکل‌گیری بنیان‌های دموکراسی توده‌ای و ایجاد حوزه‌ی عمومی که در آن افراد برای بحث و تعیین موضوعات اجتماعی و سیاسی اجتماع خود حق برابر دارند. نقش اسلام یا در واقع تفاسیر از اسلام در این فرایند مهم بوده است. برای مثال، جنبش‌های سیاسی اسلامی در مصر، پاکستان و ایران همگی بر تفسیر منابع اصلی اسلامی مثل قرآن، حدیث، سنت‌های عربی و گاهی فلسفه و الهیات اسلامی تکیه کرده‌اند. این در حالیست که این جنبش‌ها و مبانی ایدئولوژیکی آن‌ها از جهات زیادی متأثر از نیروها و شرایط جهان مدرن بوده و به واسطه آن‌ها صورت‌بندی شده‌اند. از این رو، برای فهم جنبش‌های اسلامی معاصر و نحوه‌ی تفکر میلیون‌ها مسلمانی که عضواً این جنبش‌ها هستند یا تحت تأثیر آن‌ها قرار دارند، لازم است رابطه‌ی پیچیده‌ی قرائت‌های معاصر از اسلام با مدرنیته در زمینه‌های اجتماعی مختلف اسلامی بررسی شود.

تحقیق حاضر با بررسی جنبه‌های متفاوت مدرنیته و تفاسیر معاصر از اسلام در کنار یکدیگر، مستقیماً هر دو طرف دعوا را مخاطب قرار می‌دهد. واقعیت آن است که مدرنیته از جمله مقولات پیچیده‌ای است که نمی‌توان با رویکردهای سطحی و ساده‌انگارانه رایج در ادبیات و مطالعات کنونی درباره‌ی اسلام و جهان اسلام آن را به چنگ آورد. در تحقیق حاضر، به بررسی دقیق و تحلیل عمیق گفتمان‌های برخی از برجسته‌ترین متفکران سده‌ی بیستم و بیست‌ویکم می‌پردازیم که خود را اندیشمند اسلامی می‌دانند و با پرسش‌های اصلی جهان مدرن و ارتباط آن‌ها با اسلام و تمدن اسلامی دست و پنجه نرم کرده‌اند. به

خاطر اهمیت اندیشه‌ی آن‌ها درباره‌ی تأثیرگذاری نیروهای شکل‌دهنده دنیای مدرن بر تمدن اسلامی، آثار نه‌البته در ترجمه فارسی هشت مورد بررسی شده است و فصل فاطمه مرنیسی حذف شده است. مرنیسمند اسلامی را که در سده‌ی بیستم زندگی کرده‌اند (یا هنوز زندگی می‌کنند) برای بررسی برگزیده‌ام این اندیشمندان از یک قرن پیش نقشی بسیار مهم در شکل‌دهی به آگاهی و آراء از مردم در جهان اسلام بازی کرده‌اند و گفتمان آن‌ها هم‌زمان بازتابی از وجود الگوهای متفاوتی از فرهنگ سیاسی و اجتماعی در بسیاری از مناطق مهم جهان اسلام بوده است. در اغلب مناطق جهان، آثار روشنفکران زبده در همان حال که بازتاب دغدغه‌ها، هراس‌ها، سرخوردگی‌ها، تمایلات و آرزوهای جامعه بوده، دیدگاه‌ها و ارزش‌های عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این امر در جوامعی که در روند تغییر و منازعه‌اند، بیشتر مصداق دارد و جوامع اسلامی از اواسط سده‌ی نوزدهم با این وضعیت مواجه بوده‌اند. روشنفکران، شاعران و هنرمندان سرشناس این جوامع احساسات و دغدغه‌های مردم را درک کرده و کوشیده‌اند راه‌حل‌ها و مسیرهای جدیدی برای ایجاد تغییر در این جوامع رواج دهند. این روشنفکران تأثیرات در شکل‌دهی به ذهنیت‌ها و افکار تعیین‌کننده‌ی نگرش‌ها و رفتارهای مایه‌ی نفوذ در جوامع اسلامی کمک شایانی کرده‌اند. گفتمان‌های آن‌ها در اغلب موارد به تشکیل جنبش‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ و کوچک و تضعیف و تقویت مذهب بابودی نهادهای قدیمی و ایجاد نهادهای جدید انجامیده است.

بیشتر اندیشمندان مورد بررسی در اینجا در جهان اسلام و بیرون از آن و برخی نیز در کشور خود یا در جامعه‌ی علمی مشهور هستند. همه‌ی آن‌ها، ایده‌ها و اوضاع مربوط به نیروهای جهان مدرن را محوری و مهم می‌دانند، صرف‌نظر از اینکه با مدرنیته همدل یا از آن بیزار باشند. قبل از بحث مختصر

درباره‌ی این متفکران و بازیگران سیاسی و تشریح رئوس کلی فصول کتاب، لازم می‌بینم مفهوم مدرنیته را به طور خلاصه توضیح دهم.

مدرنیته و اسلام معاصر

مدرنیته مقوله‌ای بحث‌برانگیز و پیچیده است. میان دانش‌پژوهانی که از اوایل سده‌ی ۱۹ این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند، اجماع گسترده‌ای در این خصوص وجود ندارد. با این حال در سنت نظریه‌ی انتقادی، از ایمانوئل کانت و هگل گرفته تا ماکس وبر، مکتب فرانکفورت و یورگن هابرماس، بحث مدرنیته جایگاه مهمی را اشغال کرده است. سوژگی یا عامل بودن انسان^۱ در پدیده‌های دوران مدرن مفهوم محوری این سنت فکری است. نهادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مدرن همگی بر پایه‌ی سوژگی انسان بنا نهاده شده‌اند. سرریزی پدیدای پیچیده و مفهومی سیال است. به زبان ساده، سوژگی به قدرتمند شدن^۲، عاملیت^۳ انسانی اشاره دارد. از این منظر، مدرنیته زمانی آغاز می‌شود که بخش مهمی از نایرگذاری از جامعه‌ی زندگی منفعلانه را کنار گذاشته و حسی از جسارت، قدرت‌مندی، اختیار، قاطعیت و عمل پیدا می‌کند. انسان‌های مدرن منفعل نبودند و خود را صاحب اختیار و قدرت می‌دانند. آن‌ها در طبیعت دست می‌برند و مداخله‌ی انسان‌های مدرن در طبیعت اساس فن‌آوری است که توانسته است تا حد زیادی ادبی را از اسارت طبیعت برهاند و همزمان باعث تخریب طبیعت و خود ما شود. سارایای مدرن برای

۱- Human Subjectivity: برای ترجمه‌ی این اصطلاح غامض هگل برابر نهادهای زیادی در فارسی پیشنهاد شده که می‌توان به «درون ذات»، «ذهنیت»، «خودبنیاد»، «شخص‌بنیاد»، «سوپرکتیو» اشاره کرد. با توجه به توضیحات مفصلی که نویسنده در این کتاب درباره‌ی این اصطلاح داده، در اینجا برای اجتناب از هر گونه ابهام و پراکندگی برابر نهادهای متعدد در زبان فارسی، معادل سوژگی/انسان را انتخاب کردیم. (م)

2- empowerment

3- agency

افزایش قدرت فردی و جمعی خود از طریق روندهای سیاسی در جامعه و سیاست هم دست می‌برند. این عاملیت و قدرتمندی اساس نهادهای دموکراتیک در جوامع مدرن است. بدون وقوع تحولات بنیادینی از این نوع در روح و روان اعضای یک جامعه، تحقق دموکراسی در جهان مدرن ممکن نیست. می‌توانیم همه‌ی نهادهای یک دموکراسی مدرن از قبیل: پارلمان، رسانه‌های آزاد، انتخابات و تکلیک قوا را تشکیل دهیم، اما بدون وجود گروه مؤثری که احساس سیاسی، عاملیت و قدرتمند بودن داشته باشد، این نهادها بقا نخواهند داشت. این امر در ایران، اوایل سده‌ی ۲۰ رخ داد (کشورهای دیگر را ذکر نمی‌کنم)، درست زمانی که انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ (۱۲۸۵ شمسی) بنیان‌های یک پادشاهی مشروطه، پارلمان، مجامعات کم و بیش آزاد و انتخابات را پی نهاد. از آنجا که احساس عاملیت و قدرتمندی در میان بخش اعظم مردم ایران به وجود نیامده بود، این نهادها شکست خوردند و شاهان مستبد پهلوی از آن‌ها برای تقویت حکومت سرکوبگر استفاده کردند.

از این منظر، سوژگی انسان سنگ‌بنای اصلی مدرنیته است. وقتی واژه‌ی سنگ‌بنا به کار می‌رود منظور آن است که اگر بنا به پیش‌تری از افراد بتوانند اراده‌ی خود را بر طبیعت و حوزه‌های اجتماعی و سیاسی تسلیم کنند، در آن صورت شرایط لازم برای ظهور فن‌آوری پیشرفته، دموکراسی و فعالیت اجتماعی از جمله عمل اقتصادی کنشگرانه مدرن فراهم می‌شود. وقتی احساس عاملیت و قدرتمندی در میان گروه تأثیرگذاری از مردم به وجود آید، مدرنیته است فرایند پویایی رشد کند که نه تنها احساس عاملیت را در افراد افزایش می‌دهد بلکه آن را در سطح جامعه نشر و توزیع می‌کند. زمانی که فرد احساس عاملیت و قدرتمندی را در روح و روانش توسعه می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که افراد دیگر جامعه نیز شایستگی همان عاملیت را دارند، در آن صورت بنیان‌های حقوق همگانی و جهان‌شمول ایجاد می‌شوند که به نوبه‌ی خود

می‌تواند باعث ظهور اخلاق دموکراتیک در میان بخش اعظم مردم شود. استدلال من این است که اخلاق دموکراتیک پیش شرط لازم برای ظهور یکی از ضروری‌ترین مشخصه‌های مدرنیته یعنی توسعه نهادهای دموکراتیک است.

تحول از وضعیت انفعال به سوژگی و عاملیت در میان مردم فی‌البداهه یا به آسانی رخ نمی‌دهد. مردم با طی یک فرایند طولانی و صعب‌العبور می‌توانند به چنین تحول دست یابند. یکی از دلایل اصلی طولانی و دشوار بودن فرایند شکل‌گیری سوژه آن است که که لزوماً باید با دیسیپلین بدن و روان سوژه بدان دست یافت. بدون وجود افرادی که آموزش دیده‌اند تا تمایلات غریزی و میل به خرس‌گزینی و راحتی خود را تا حد زیادی مهار کنند دستیابی به قدرت و احساس قدرتمند بودن ممکن نیست. سوژه‌ی مدرن مسیرش را چونان زاهدی آغاز می‌کند که اراده‌اش را بر طبیعت درون و بیرون تحمیل می‌کند. سرکوب درونی بخش از خویش را در روند شکل‌گیری سوژگی انسان است. هسته‌ی اصلی دیسیپلین، ظهور عاملیت و سوژگی در تاریخ مدرن غرب انجامید که با اصلاحات پروتستان و به ویژه نوع پیوریتنی آن آغاز شد. برخی متفکران اسلامی مورد بحث در اینجا هم تربیت نفس را قویاً مورد تأکید قرار داده‌اند.^(۲)

1- Discipline

۲- آنچه باعث شد دیسیپلین مدرن در غرب موفق شود این واقعیت بود که بسیاری هم رفته این دیسیپلین داوطلبانه بود و خود عاملیت‌ها آن را پذیرفتند و کاملاً از بیرون تحمیل نمی‌شد. مایکل والزر در نتیجه‌گیری از تحلیل موشکافانه‌اش درباره‌ی کالونیسم نوشت که میان پیوریتن‌ها «دیسیپلین متکی به اقتدار پادشاهان و لردها یا اطاعت رعیت خوش‌قلب و قابل اعتماد نبود. پیوریتن‌ها به دنبال دیسیپلین داوطلبانه بودند... که هدفی فردی و جمعی بود. اما فارغ از داوطلبانه بودن یا نبودن دیسیپلین، مسأله‌ی اصلی سرکوب بود.» والزر در ادامه متن به درستی بر اهمیت دیسیپلین در مراحل بعدی مدرنیته اشاره می‌کند، برای مثال، لیبرالیسم که در مراحل اولیه ظهور پیوریتنیسم بنیان نهاده شد: «نیازمند خویش‌داری داوطلبانه بود، اما در تقابل شدید با پیوریتنیسم، آنچه سیاست لیبرالیسم را شکل داد اعتماد بیش از حد به